

امکان سنجی الگوبرداری ایران از مدل توسعه اقتصادی چین

امید محمدی^۱، * مختار صالحی^۲، محمدتقی قزلسفلی^۳

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۲. استادیار گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۱ بهمن ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۲ خرداد ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۲۰ خرداد ۱۴۰۳

چکیده

جستجوی الگوی توسعه اقتصادی مناسب ایران، همواره محل بحث بوده است. روند الگوبرداری نه تنها متوقف نشده، بلکه از سوی ایران در قالب همکاری اقتصادی با چین مورد توجه قرار گرفته است. پیرو تأکید فوق، سوال اصلی پژوهش این است، تا چه حد امکان الگوبرداری ایران از مدل توسعه اقتصادی چین وجود دارد؟ چه زمینه‌ها و موانعی در رویکرد الگوبرداری ایران از چین به خصوص در زمینه توسعه اقتصادی وجود دارد؟ بنا بر فرضیه، نیازهای متقابل اقتصادی ایران و چین، انتقاد مشترک به نظم بین‌المللی موجود، نقش مهم چین در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، طرح اقتصادی یک کمربند/یک راه، جایگاه خاورمیانه در تأمین انرژی چین و همکاری‌های سیاسی و امنیتی به عنوان زمینه‌های الگوبرداری اشاره داشت. در مقابل متغیرهای؛ ساختار فرهنگی متفاوت دو کشور، نهادگرایی در اقتصاد ایران، ساختار کمی و کیفی متفاوت جمعیتی دو کشور، ساختار اقتصادی متفاوت، بی‌اعتمادی اجتماعی ایرانی‌ها نسبت به همکاری اقتصادی با چین، تجربه تحریم‌های بین‌المللی، در هم تنیدگی اقتصاد چین با امریکا به عنوان یک قدرت تحریم‌گرا، تأکید چین بر جغرافیای سیاسی کشورها در امر توسعه اقتصادی و عدم الگوپذیری آن و ابهام در مبانی و نیت واقعی مدل توسعه اقتصادی چین، به عنوان موانع مهم امکان‌سنجی الگوبرداری از مدل توسعه اقتصادی چین به بحث گذاشته می‌شود. روش طرح پژوهش فوق، توصیفی تحلیلی است و در چارچوب نظریه وابستگی متقابل به بحث گذاشته می‌شود. اطلاعات داده‌های این پژوهش به صورت کیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری می‌شود. روش ارزیابی منابع گردآوری شده نیز به صورت کیفی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها:

توسعه اقتصادی ایران،
الگوبرداری اجباری، موانع
الگوبرداری، زمینه‌های
الگوبرداری، چشم‌انداز
همکاری، دیپلماسی دام
بدهی چین.

* نویسنده مسئول:

دکتر مختار صالحی

نشانی:

دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
پست الکترونیک:
mo.salehi@umz.ac.ir

استناد به این مقاله:

محمدی، امید و صالحی، مختار و قزلسفلی، محمدتقی (۱۴۰۳). امکان‌سنجی الگوبرداری ایران از مدل توسعه اقتصادی چین. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۹(۱)، ۲۸۹-۲۵۹.

۱. مقدمه

ایران در طول تاریخ به خصوص دوران معاصر درگیر مشکلات اقتصادی فراوانی بوده است. از دهه‌ی شصت میلادی که توسعه در سطح جهان بطور جدی مطرح شد، ایران هم به‌عنوان یک دولت در حال توسعه تلاش کرده آینده خود را با هدف دستیابی به توسعه ترسیم نماید. از طرف دیگر، چین نیز همانند ایران در طول تاریخ فراز و فرودهای فراوانی را تجربه کرده است. این کشور توانسته بعد از چند قرن انزوا و سپس بیطرفی و به عبارت دقیقتر مرخصی از نظام بین الملل، در جایگاه قدرت اقتصادی ظهور کند. چین تلاش نموده با کاربست مدل توسعه اقتصادی مختص به خود، ضمن کاهش سطح فقر شهروندان، جایگاه اقتصادی خود را در بازار جهانی تثبیت کند.

با افزایش جایگاه چین از نظر اقتصادی در نظام بین الملل، مدل توسعه اقتصادی آن مدنظر بسیاری از کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. چین ضمن اینکه مدل توسعه خود را به‌عنوان مدل موفق تبلیغ می‌کند، الگوبرداری از آن را به دیگر کشورها توصیه نمی‌کند. چین معتقد است راه پیشرفت هر کشوری تنها با استفاده از آموزه‌های فرهنگی، اجتماعی و جغرافیای آن کشور امکان پذیر است و لذا جغرافیای سیاسی کشورها در اقتباس از برنامه های توسعه اقتصادی لازم است مورد توجه قرار گیرد. تاکید فوق را می توان در چارچوب مدل اجماع پکن نیز به حث گذاشت. مدلی که برای برخی از کشورهای جهان در دستور کار قرار گرفته و مبنای سیاستگذاری اقتصادی آنها از قبیل ایران شده است.

حال این سوال در پژوهش به بحث گذاشته می شود که تا چه حد امکان الگوبرداری ایران از مدل توسعه اقتصادی چین در پرتو همکاری استراتژیک میان دو کشور وجود دارد؟ چه زمینه‌ها و موانعی در رویکرد الگوبرداری ایران از چین به خصوص در زمینه توسعه اقتصادی وجود دارد؟ در پاسخ می توان به مواردی همچون؛ نیازهای متقابل اقتصادی ایران و چین، انتقاد مشترک به نظم بین المللی موجود، نقش مهم چین در جذب سرمایه گذاری خارجی، طرح اقتصادی یک کمربند/یک راه، جایگاه خاورمیانه در تامین انرژی چین و همکاری های سیاسی و امنیتی به عنوان زمینه های الگوبرداری اشاره داشت. در مقابل متغیرهای؛ ساختار فرهنگی متفاوت دو کشور، نهادگرایی در اقتصاد ایران، ساختار کمی وی کیفی متفاوت جمعیتی دو کشور، ساختار اقتصادی متفاوت، بی اعتمادی اجتماعی ایرانی ها نسبت به همکاری اقتصادی با چین،

تحریم های بین المللی بر علیه هر دو کشور، وزن تاثیرگذار سطح تجارت چین با امریکا به عنوان یک قدرت تحریم گرا، تاکید چین بر جغرافیای سیاسی کشورها در امر توسعه اقتصادی و عدم الگوپذیری آن و ابهام در مبانی و نیت واقعی مدل توسعه اقتصادی چین، به عنوان موانع مهم امکان سنجی الگوبرداری از مدل توسعه اقتصادی چین به بحث گذاشته می شود. روش طرح پژوهش فوق، توصیفی تحلیلی است و در چارچوب نظریه وابستگی متقابل به بحث گذاشته می شود. روش جمع آوری اطلاعات و منابع این پژوهش به صورت کیفی مبتنی بر منابع کتابخانه ای و اینترنتی است. در نهایت روش تجزیه تحلیل اطلاعات جمع آوری شده نیز به صورت کیفی انجام می گیرد.

در این پژوهش موضوعات پیشینه پژوهش، چارچوب نظری تحقیق، شاکله الگوی توسعه اقتصادی چین، فرصت ها و موانع الگوبرداری از مدل توسعه اقتصاد چین و در نهایت نتیجه گیری تحقیق به ترتیب به بحث گذاشته میشود.

۲. پیشینه پژوهش

با بررسی که از منابع مرتبط داخلی و خارجی مرتبط با موضوع صورت گرفت به چند مورد از مهمترین آنها که در نگارش این پژوهش کمک کننده بوده اند، اشاره می شود. در منابع داخلی، می توان به کتاب وردی نژاد؛ قاضی زاده و علمایی فر ۱۳۹۰ «تحت عنوان اژدهای شکیبا؛ چین دیروز، امروز و فردا» اشاره داشت. مولفان کتاب فوق به دنبال بررسی این موضوع بودند که چین تاریخی چه تأثیری بر چین معاصر داشته است. آنها معتقدند جایگزینی دهقانان به جای طبقه کارگر به عنوان نیروی انقلابی در شکل گیری جنبش مارکسیستی ریشه در فرهنگ چین دارد. سپس به چگونگی شکل گیری حزب کمونیست چین، ظهور مائو و سپس دنگ شیائوپینگ می پردازند. در منبع دیگری تحت عنوان «اجماع پکن: الگوی نوین توسعه در عصر جهانی شده» از سوی محمدی علی شیرخانی و فریبرز ارغوانی پیرسلامی در سال ۱۳۹۵، مساله توسعه چین با مبانی و مدل های مختص به خود تحت عنوان اجماع پکن مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله بر شاخص های جدید توسعه اقتصادی از منظر چین بحث شده است. از این مقاله در مبحث توجه به جغرافیای سیاسی در امر توسعه اقتصادی استفاده شده است.

در منابع خارجی، در زمینه الگوی توسعه اقتصادی چین می توان موارد متعددی بر شمرد که

در بخش هایی از این مقاله می توان از آنها بهره برد. مطابق نظر سو^۱ در سال ۲۰۱۴ در مقاله ای با عنوان «مدل چینی توسعه: ویژگیها، تفسیرها و مفاهیم»، مدعی است چین در حال تبدیل شدن به دومین قدرت اقتصادی جهان و بزرگترین بازار مصرفی است. وی معتقد است، در کنار همه پیشرفتهای موجود چین، مدل توسعه این کشور دارای نقطه ضعفهایی است و باعث انتقال تکنولوژی به چین نشده و همانند دیگر کشورهای در حال توسعه، استقلال خود را در توسعه اقتصادی از دست داده است. طبق نظر کروبر^۲ در سال ۲۰۰۰، در کتاب «آن سوی دیوار، اقتصاد چین: آنچه هرکس باید بداند»، معتقد است که اقتصاد شکوفای چین برپایه استقراض عظیم خارجی بنا شده است. وی سعی کرده طریقه کار کردن این اقتصاد عظیم را توضیح داده و دلایل فرارگیری در این مسیر را هم شرح دهد.

هی لی^۳ در مقاله ای تحت عنوان «مدل توسعه چینی و پیامدهای آن» در سال ۲۰۱۵ به مبحث بازگشایی موج جدیدی از توسعه از سوی چین می پردازد که ایده پایان تاریخ که بر پیروزی لیبرالیسم تاکید می کرد را دچار چالش کرده است. در این تحقیق به ابعاد و شاکله توسعه چین پرداخته و محقق سعی نموده است ابعاد جدیدی از مدل توسعه از سوی چین ارائه نماید. پژوهش دیگری تحت عنوان یگانگی مدل توسعه چین در فاصله سالهای ۱۸۴۲ تا ۲۰۴۹ از سوی یپ وک و آ^۴ در سال ۲۰۱۲ در زمینه بررسی مدل توسعه اقتصادی چین به نگارش درآمده است. در این کتاب محقق تلاش کرده با بررسی روند سیاستگذاری های کشور چین یک شناخت و فهم جدیدی را از الگوی توسعه چینی معرفی نماید که به باور وی از زمان انقلاب صنعتی در بریتانیا بی نظیر بوده است. از این تحقیق در بخش فهم و شاکله توسعه اقتصادی چین کمک گرفته شده است.

در منبع دیگری، وین مریسون^۵ در گزارشی در سال ۲۰۱۹ تحت عنوان رشد اقتصادی چین: تاریخ، روندها، چالشها و پیامدهای آن برای آمریکا، به چگونگی توسعه اقتصادی چین پرداخته است. در این تحقیق محقق ضمن برشمردن فرایند توسعه اقتصادی چین به خصوص با کمک آمار و ارقام، سعی نموده ملاحظات فراروی چگونگی تعامل آمریکا با چین را در این پژوهش به نگارش درآورد. از این تحقیق در مبحث توسعه اقتصادی چین و بخصوص آمار و ارقام استفاده

1. Alwin So
2. Kroeber
3. He Li
4. Yip Kwok-Wah
5. Wayne M. Morrison

می شود. کمیسیون اتحادیه اروپا در تازه ترین گزارش تحلیلی در بهار ۲۰۲۴ آماری از رشد خیره کننده اقتصاد چین را به تصویر کشانده است. در این گزارش بر لزوم توجه به جایگاه چین در شاخص های مختلف اقتصاد سیاسی بین الملل اشاره شده است. در گزارش تحلیلی دیگری از صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۲۴ به مساله چشم انداز تکامل همکاری اقتصادی چین با آفریقا پرداخته شده است. در این گزارش به سطح همکاری در حوزه های اقتصادی به خصوص مساله وام و بدهی کشورهای آفریقایی به چین اشاره می شود. توجه به این گزارش در این پژوهش به دلیل توجه به سیاست دام بدهی است که ادعا می شود از سوی چین نسبت به کشورهای خواهان همکاری اقتصادی با آن کشور اعمال می شود.

در کل در مورد توسعه اقتصادی چین و مدل جدیدی که از توسعه یافتگی اقتصادی این کشور وجود دارد منابع خارجی و داخلی متعددی منتشر شده است. در این تحقیق تلاش میشود با توجه به موضوع مقاله از آنها استفاده گردد. اما تمایز پژوهش حاضر با کارهای صورت گرفته بیشتر در اضافه نمودن متغیر مستقلی به نام ایران است که مشخصا در این زمینه منبع و موضوع مشابهی به نگارش در نیامده است و بیشتر مطالب جنبه خبری و تحلیلی دارند. امیدوارست این مقاله دریچه جدیدی بر روی محققین در این زمینه باز نماید.

۳. چارچوب نظری: حساست پذیری از منظر وابستگی متقابل

برای درک ماهیت روابط دو کشور چین و ایران و به خصوص علاقمندی که ایران از خود برای همکاری با چین نشان داده است، نظریه وابستگی متقابل نظریه ای است که می توان از منظر آن امکان تطبیق پذیری مدل توسعه اقتصادی ایران با چین را مورد بررسی قرار داد. هر چند در ادامه به این نکته اشاره خواهد شد که وابستگی متقابل ایران و چین به موانع مهمی برخورد می کند که خود این سوال را به ذهن متبادر می کند که امکان الگوبرداری ایران از مدل توسعه اقتصادی چین تا چند حد امکان پذیر است و چه موانعی در این زمینه وجود دارد؟

از اواخر دهه شصت میلادی نظریه پردازان روابط بین الملل نظیر جوزف نای^۶ و رابرت کوهن^۷ و ریچارد کوپر^۸ با پیچیده شدن روابط بین کشورها و اولویت داشتن روابط اقتصادی که

6. Joseph Nye

7. Cohen

8. Richard Cooper

هر روز سیاسی می‌شد، در نقد رئالیسم برای این‌که بتواند مسائل اقتصادی و سیاسی را در سطح بین‌الملل و کشورها تفسیر کنند، نظریه وابستگی متقابل را مطرح کردند. به شکل ساده، آن‌چه در پشت مفهوم واژه وابستگی متقابل وجود دارد، این ایده است که دولت‌ها و جوامع جهان نسبت به حوادث و روندهایی که در دیگر کشورها روی می‌دهد آسیب‌پذیر هستند و پیش شرط رونق اقتصادی و ثبات سیاسی در یک کشور آن است که دیگر کشورها نیز از این شرایط مشابه بهره‌مند شوند. بدین ترتیب نظریه وابستگی متقابل را یکی از نظریه‌هایی می‌دانند که ریشه در تاریخ تفکر بین‌الملل‌گرایی دارد که بر مبنای آن امور دنیا به‌طور عینی در جهت جهانی شدن است (Vahidi Rad, 2013: 106).

کوهن و نای معتقد بودند وابستگی متقابل اصطلاح گسترده‌ای است و اشاره به موقعیتی دارد که مشخصه این موقعیت تأثیر متقابل کشورها یا بازیگران کشورهای مختلف است. در تعریف دوم که بیشتر از اقتصاد نشئت می‌گیرد، وابستگی متقابل زمانی به وجود می‌آید که نوعی حساسیت ملی فزاینده در قبال پیشرفت‌های اقتصاد بیرونی به وجود آید. احتمالاً این حساسیت و به بیان دقیق‌تر الگوبرداری می‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه باشد. کوپر نیز در همراهی، این‌طور می‌گوید که وابستگی متقابل بر پیشرفت‌های تکنولوژیکی در زمینه سیستم حمل‌ونقل و ارتباطات مرتبط است. سرعت و اطمینان جابه‌جایی کالا و سرمایه، افراد، اطلاعات و ایده‌ها را در طول مرزهای ملی افزایش می‌دهد. وی در همین راستا درجه وابستگی متقابل را نه با ارزش تجاری، بلکه با میزان حساسیت اقتصادی می‌سنجد (Vahidi Rad, 2013: 107).

وابستگی متقابل در دو بخش وابستگی متقابل متقارن و وابستگی متقابل نامتقارن قابل توضیح است. در وابستگی متقابل متقارن جوامع دارای درجه آسیب‌پذیری یکسان هستند. وابستگی متقابل متقارن جوامع دارای آسیب‌پذیری یکسان نیستند، مانند این‌که آسیب‌پذیر اقتصادی یکسان وجود ندارد. باید دقت کرد که وابستگی متقابل را کاملاً با وابستگی دوطرفه متوازن و برابر یکسان نگیریم. وجود عدم تقارن در وابستگی است که به احتمال قوی زمینه اعمال نفوذ بازیگران بر یکدیگر را فراهم می‌سازد. بازیگرانی که وابستگی کمتری دارند، غالباً می‌توانند از رابطه وابستگی متقابل به‌عنوان یک عامل قدرت در چانه‌زنی در مورد یک مسئله و شاید تأثیرگذاری بر مسائل دیگر استفاده کنند (Nye, keohane, 1941: 23-21). در این پژوهش نیز بر همین نکته تأکید می‌شود که دام الگوبرداری از مدل توسعه اقتصادی چین نکته‌ای است که در صورت الگوبرداری، لازم است مورد توجه تصمیم‌گیرندگان داخلی ایران قرار گیرد.

وابستگی متقابل متقارن و وابستگی متقابل نامتقارن نتوانستند پیچیدگی روابط کشورها توضیح دهند. از این رو نای و کوهن اصطلاح وابستگی متقابل پیچیده را در دهه ۱۹۷۰ برای توضیح روابط پدید آمده میان دموکراسی های تکثرگرا به کار بردند. در این رویکرد، تحولات را بدین گونه به زبان جهان گرایی ترجمه می کنند که در شرایط تشدید وابستگی متقابل پیچیده و در بخشی از جهان که در این مرحله قرار میگیرد، سطح جهان گرایی اقتصاد، زیست محیطی و اجتماعی، بالا و سطح جهان گرایی نظامی، پایین است.

در این نظام نفع متقابل حاصل از وابستگی متقابل اقتصادی میان اقتصادهای ملی زمینه تقویت همکاری بین المللی است. در حالی که سیاست به ایجاد واگرایی میان افراد گرایش دارد، اقتصاد عامل پیوند و هم گرایی آن هاست. همکاری اقتصادی دولت ها بر اساس دستاورد نسبی^۹ منازعه آمیز است و نمی تواند به همکاری پایدار بینجامد. بر این اساس دولت ها همواره تلاش می کنند، قواعد یا رژیم های حاکم بر روابط اقتصادی بین المللی را در راستای بهره برداری بهتر از شرایط موجود در مقایسه با قدرت و اقتصاد دیگر تغییر دهند (Qanbar Lu, 2014: 95-96).

۴. توسعه اقتصادی چین به مثابه یک الگو

بررسی فراز و فرود نقش چین در اقتصاد جهان در نوع خود قابل توجه است. بر اساس مطالعات صورت گرفته، چین بزرگترین اقتصاد جهان در سال ۱۸۲۰ بود. در این دوران، سهم این کشور از تولید ناخالص داخلی جهانی در حدود ۳۲/۹٪ بوده است. با این وجود جنگ های داخلی و خارجی این کشور، نزاع های داخلی و نا کارآمدی دولتهای وقت سهم این کشور از تولید ناخالص داخلی به مقدار زیادی کاهش یافت. بطوریکه تا سال ۱۹۵۲ سهم چین از تولید ناخالص جهانی به حدود ۵/۲٪ سقوط کرد و حتی به این حجم محدود نشد و در سال ۱۹۷۸ این مقدار به حدود ۹/۴٪ کاهش پیدا کرد. با این وجود، پس از انجام اصلاحات اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۷۰ در این کشور، به افزایش جایگاه چین منجر شد و چین به یک قدرت اقتصادی بزرگ تبدیل شد که روند روند به رشد آن همچنان ادامه دارد (Morrison, 2019:10).

برای توضیح ویژگی های الگوی توسعه چین، اجماع پکن تا حدودی به فهم آن کمک می کند. اجماع پکن که نمونه و الگویی اعلامی از شیوه متفاوت توسعه گرایی بر

9. relative agas

پایه اصول توسعه چین است، به شدت بر تنش زدایی و روابط اقتصادی بلندمدت با تمام دنیا در راستای منافع ملی و یکپارچگی داخلی چین تمرکز دارد. چین هم‌زمان که شریک ایدئولوژیک شوروی بوده، در سال ۱۹۸۰ روابط خود را با آمریکا بهبود بخشید و از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی تحت کنترل آمریکا در کنار کمونیسیم استفاده کرده است. اجماع پکن بر خلاف تفکر رایج توسعه که اعتقاد داشت مسیر توسعه برای همه کشورها یکسان است، این نظر را بیان کرد که هر کشوری با توجه به فرهنگ جغرافیا و دیگر مشخصه‌های داخلی و بین‌المللی که با آن درگیر است می‌تواند، روش توسعه اقتصادی منحصر به فرد خود را خلق کند (Kennedy, 2010:461).

در بحبوحه شروع اصلاحات اقتصادی در چین، دنگ به عنوان یک اصلاح طلب^{۱۰} برای تحقق اهداف اقتصادی و تأمین مشروعیت نظام سیاسی حاکم با اتخاذ استراتژی‌هایی از جمله سیاست درهای باز^{۱۱} از طریق ارتباط با نظام بین‌الملل و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در فراسوی مرزهای کشور به منظور کسب سرمایه، تکنولوژی و بازار مصرف خارجی، ایجاد مناطق اقتصادی ویژه^{۱۲} از طریق به اجرا در آوردن بازار آزاد در چند نقطه از کشور و تسری دادن آن به سایر بخشها در صورت موفقیت آمیز بودن نتایج آن و تأکید بر قاعده یک کشور دو سیستم را در پیش گرفت (Verdinejad, 2011: 278-280). در همین زمینه، چند شاخص اصلی مدل توسعه اقتصادی چین را می‌توان اینگونه برشمرد (Li & et.al, 2009: 301-307).

- بومی‌سازی، مطابق این شاخص، هرگونه تئوری اقتصادی و تجربیات کشورهای دیگر باید با ظرفیت‌های محلی خود سازگار شوند؛

- ترکیب بازار و ایدئولوژی، مطابق این شاخص، هیچ ملتی نباید از ایدئولوژی افراطی سرمایه‌داری بازار آزاد یا کمونیسیم کاملاً برنامه‌ریزی شده در ساخت اقتصادی استفاده کند؛

- انعطاف‌پذیری، مطابق این شاخص، تئوری‌ها و سیاست‌های اقتصادی غربی بر اساس

10. Deng Xiaoping

11. Open Door Policy

12. Special Economic Zone

بهترین شرایط کشورهای توسعه یافته برنامه ریزی شده‌اند، بنابراین فرایند توسعه باید بصورت انعطاف پذیر طراحی و اجرا شود؛

- حقوق سیاسی^{۱۳}، مطابق این شاخص، چین اجازه نمی‌دهد دیگر کشورها در سیاست خارجی و داخلی چین دخالت کنند، در این میان چین قول می‌دهد که در سیاست کشورهای دیگر دخالت نکند؛

- محیط سیاسی پایدار، مطابق این شاخص، رهبران چین به خوبی آگاه بودند که یک محیط سیاسی باثبات در داخل و در سطح بین‌المللی یک پیش شرط برای توسعه اقتصادی است؛

- اعتماد به نفس^{۱۴}، مطابق این شاخص، رهبران چین همواره بر تلاش و اتکاء به خود تاکید می‌کنند. مانع اعتقاد داشت تنها مردم منبع اصلی ثروت مادی هستند و رهبران چین همواره بر تلاش و اتکاء به خود تاکید می‌کنند؛

- ارتقاء صنعت به طور مداوم، مطابق این شاخص، رهبری چین به خوبی اهمیت ارتقای صنعتی خود را می‌داند.

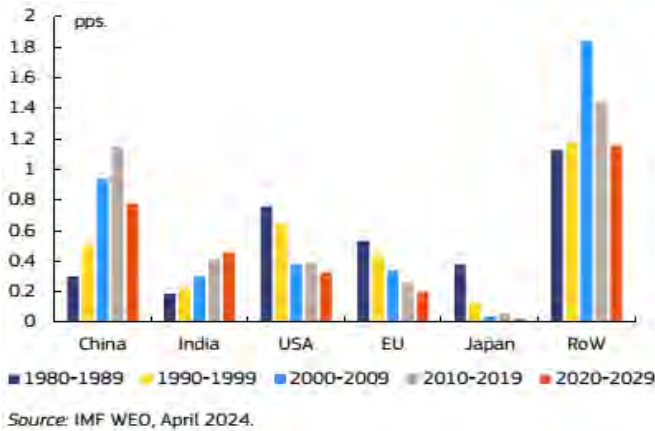
- نوآوری‌های بومی^{۱۵}، مطابق این شاخص، دولت در چین برای رشد صنعت، سرمایه‌گذاری زیادی را در آموزش و فناوری به منظور رقابت در جهان در حال تغییر سریع کرده است؛

- آزادسازی مالی محتاطانه^{۱۶}، مطابق این شاخص، چین که فاقد تجربه مدیریت و دیگر بازارهای مالی است هنوز حساب سرمایه خود را کاملاً آزاد نکرده است.

- رشد اقتصادی برای هماهنگی اجتماعی^{۱۷}، مطابق این شاخص، رهبران چین مشتاق ساختن یک جامعه هماهنگ هستند، به اعتقاد آن‌ها می‌توان با رشد موثر اقتصادی به این امر دست یافت.

در نمودار ذیل می‌توان شمای کلی از نقش چین در کمک به رشد اقتصاد جهان در مقایسه با دیگر رقبای را ملاحظه کرد:

-
13. Political Rights
 14. Self Confidence
 15. Native innovations
 16. Prudent financial liberalization
 17. Social harmonys



(European economic forecast, 2024:61).

در یک تقسیم بندی دیگر برای مدل توسعه چین چهار محور اساسی مطرح شده است که درک توسعه اقتصادی این کشور نیازمند توجه به چهار شاخص ذیل است. نخست، مدل توسعه دولت محور که در آن نظام سیاسی حاکم نقش اصل را بر عهده دارد. دوم، توسعه به عنوان اولویت اول چین قرار دارد و دیگر اهداف ذیل هدف فوق تعریف می شوند. سوم، تاکید چین بر الگوی حکمرانی خوب که البته با ملاحظات بومی در کشور در جستجوی آن است. در نهایت نیز انجام اصلاحات عمل گرایانه و تدریجی از سوی چینی ها در امر توسعه یافتگی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (Li, 2015: 131-132).

۵. زمینه های الگو برداری ایران از مدل توسعه اقتصادی چین

در دو بخش قبل به مبانی کلان در مورد تحولات اقتصادی چین و تبدیل آن به یک مدل مطلوب احتمالی برای برخی کشورهای جهان اشاره شد. در ادامه به برخی از زمینه های موثر در امکان سنجی همکاری میان دو کشور ایران و چین اشاره می شود.

الف) زمینه های داخلی

۱- نیازهای متقابل اقتصادی ایران و چین

اقتصاد ایران درحالی که برای رشد اقتصادی و صنعتی نیازمند انرژی است، درآمد حاصل

از صادرات انرژی نقش بسزایی در بودجه دولت‌ها برای سرمایه‌گذاری در صنایع و توسعه اقتصادی کشور ایفا می‌کند. آمارهای داخلی و بین‌المللی نشان‌دهنده تأثیر درآمد انرژی بر رشد اقتصادی در کشورهای وابسته به نفت مانند ایران دارد.

نفت سیاسی‌ترین کالای اصلی دنیای امروز است و از همین رو سیاست‌گذاری نفتی کشورهای نفت‌خیز بخش مهمی از سیاست‌گذاری این کشورها محسوب می‌شود. نفت اهمیت زیادی در اقتصاد ایران دارد. آنچه اکثر کارشناسان بر آن اتفاق نظر دارند و آمارهای اقتصادی نیز آن را تأیید می‌کند این است که افزایش درآمدهای نفتی به افزایش سرمایه‌گذاری ملی منجر می‌گردد. این مسئله در واقع مشکل اساسی اقتصاد ایران یعنی همان وابستگی به درآمدهای نفتی است (Eyvazi, 2008:16).

اقتصاد ایران از چند جهت به نفت و انرژی وابسته است. اولاً، برای تولید، تداوم رفاه داخلی و کنترل تورم به انرژی نیاز دارد. دوماً، ایران یک تولیدکننده نفت و اقتصادی وابسته به ورود ارز از طریق انرژی است. در چنین اقتصادی، ثبات در بازار فروش یک امر ضروری است. تهیه ملزومات مصرفی اقتصاد چه برای مصارف عمومی، چه برای تأمین تکنولوژی نیازمند شریکی مطمئن در سطح جهان است. همکاری اقتصادی با چین می‌تواند بازار با ثبات برای انرژی ایران ایجاد کند. با توجه به تجارب چین در رشد صنعتی، این کشور می‌تواند نیازهای صنعتی ایران را هم تأمین کند.

در طرف مقابل، چین به‌عنوان کشور در حال توسعه در دو دهه اخیر رشد اقتصادی بالایی را تجربه کرده که نشان‌دهنده وابستگی شدید آن به انرژی است. نیاز رو به گسترش انرژی در چین و نبود منابع داخلی این کشور را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی که حجم قابل توجهی از آن را از خارج تأمین می‌کند تبدیل کرده است (Soltani, 2011: 202).

انرژی یکی از مؤلفه‌های پیش روی همکاری چین با دیگر کشورهای محسوب می‌شود. تأمین و ثبات بخشی آن یکی از اولویت‌های استراتژیک این کشور است. در سال‌های اخیر روابط تجاری ایران و چین با توجه به حجم عظیم ذخایر انرژی در ایران همواره روبه‌رشد بوده است. با توجه به نقش انرژی در روند رشد اقتصادی این کشور تعقیب دیپلماسی انرژی در متن سیاست خارجی این کشور قرار دارد. بر این اساس می‌توان گفت بین سیاست خارجی چین، انرژی و رشد اقتصادی یک رابطه مستقیم وجود دارد (Soltani et al., 2011: 206).

روابط ایران و چین می‌تواند با توجه به اهمیت انرژی برای اقتصاد دو کشور و همپوشان بودن اقتصادهای دو کشور، در راستای همکاری استراتژیک به پیش برود. در سال ۲۰۰۲ صادرات نفت ایران به چین ۲۱۳ هزار بشکه هزار بشکه در روز بوده است، اما از سال ۲۰۰۲ تا کنون یکی از طرف‌های اصلی صادرات نفت به چین در خاورمیانه ایران است. طبق آمار رسمی ورودی گمرکات چین، صادرات نفت ایران به این کشور در سال ۱۴۰۲ به حدود یک و نیم میلیون بشکه در روز سیده است (Fars news agency, October 17, 2023).

صادرات انرژی ایران به چین در نفت خلاصه نمی‌شود، و صادرات گاز مایع^{۱۸} نیز به‌طور جدی مطرح است. شرکت چینی سینوپک^{۱۹} مسئول صادرات ۱۰ میلیون تن گاز مایع به مدت ۲۵ سال از ایران است. ارزش این قرارداد حدود یک و نیم میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. این قرارداد در مدت ۲۵ سال حدوداً ۴۰ میلیارد دلار برای ایران درآمد ایجاد می‌کند. شرکت ملی نفت چین^{۲۰} برای صادرات ۹ میلیون تن گاز مایع ایران به چین در مدت ۲۵ سال از سال ۱۳۹۰ در حال فعالیت است. تمایل سرمایه‌گذاران چینی در همکاری با میدین پارس جنوبی، میدان گاز یادآوران و دیگر پروژه‌های گازی ایران نمونه‌هایی از همکاری عمیق دو کشور برای ثبات و عمق بخشیدن به همکاری انرژی در سطح کلان را نشان می‌دهد (Soltani et al., 2011: 219-220).

۲- انتقاد مشترک به نظام اقتصاد لیبرالی

به زعم چین و ایران ساختار نظام بین‌الملل براساس چارچوب لیبرال و نئولیبرالیسم برنامه‌ریزی شده است. از این رو کشورهای ایران و چین با توجه به سابقه تاریخی و فرهنگی علاقه‌ای به پذیرش معیار کشورهای غربی ندارند. از این جهت این کشورها با اتهاماتی از قبیل نقض حقوق بشر، عدم دموکراسی و عدم پایبندی به بازار آزاد قرار می‌گیرند. ایران و چین، سازمان‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی را هم به‌عنوان ابزاری برای اشاعه تفکر لیبرالیسم می‌دانند. از نمونه انتقادهای ایران و چین به نظام بین‌الملل را می‌توان در دیدگاه رهبران دو کشور مثال زد. از منظر ایران، الگوی غربی در حالی که توانسته برای این کشورها ثروت و قدرت به ارمغان بیاورد، اما ارزش‌های انسانی در این کشورها از بین رفته است. از این رو روش توسعه آن‌ها را برای کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشورهای اسلامی مناسب نیست. به نتیجه نرسیدن مدل توسعه غربی در کشورهای

18. LPG

19. sinopes

20. cnpc

اسلامی را دیدگاه متفاوت اسلام و غرب به پیشرفت و جایگاه انسان میدانند (Shikhani et al., 2015: 5).

از دهه هفتاد میلادی حزب کمونیست چین، رشد اقتصادی و حکمرانی کارآمدی را به عنوان منبع مشروعیت خود برگزیده است. رهبران این کشور می دانند که رشد اقتصادی و دفاع از حاکمیت چین از عوامل تعیین کننده در حفظ امنیت عمومی است. رهبران چین مخالف هنجارهایی مانند مسئولیت حفاظت، ترویج دموکراسی، حقوق بشر و آزادی اطلاعات در چارچوب مدل غربی هستند. آن‌ها اعتقاد دارند این ابزارها برای تضعیف اقتدار حزب کمونیست چین و تضعیف اتحاد با تایوان است. در این راستا شی جین پینگ در سخنرانی سال ۲۰۱۵ خود در مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کرد؛ اصل حاکمیت ملی همه کشورها تخطی ناپذیر است. همه کشورها حق دارند مستقلاً نظام‌های اجتماعی و مسیره‌های خود را برگزینند و کوشش همه کشورها در این راستا باید مورد احترام دیگر کشورها قرار گیرد (Mazarr&.et al, 2018: 19-18).

ب) زمینه های خارجی

تلاش ایران در الگوبرداری از مدل توسعه اقتصادی چین لزوماً به شرایط و زمینه های داخلی محدود نمی شود، بلکه در کنار آن برخی عوامل و زمینه های بین المللی نیز ایران را به سمت توسعه همکاری با چین سوق می دهد. در ادامه به برخی از مهمترین آنها اشاره می شود.

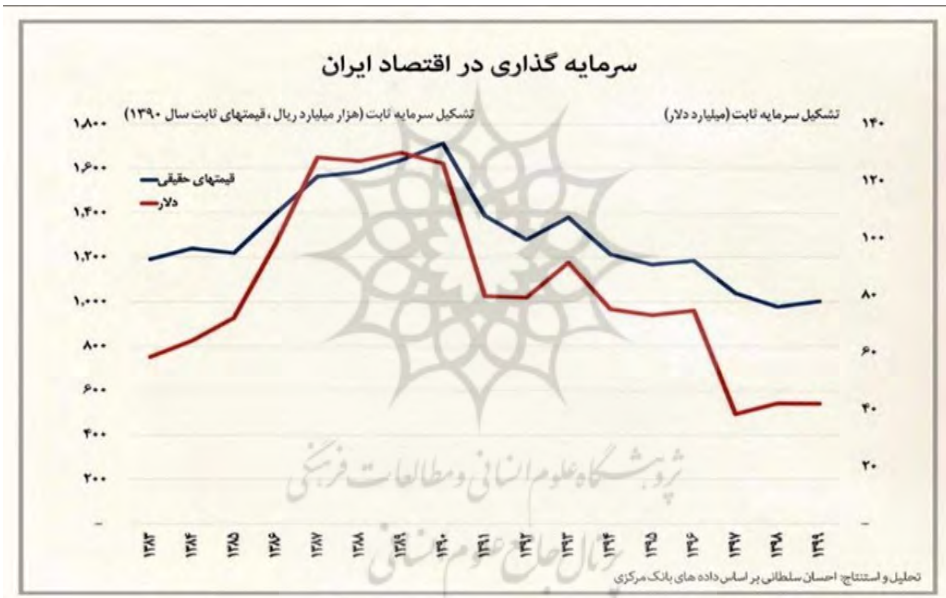
۱- نقش مهم چین در جذب سرمایه گذاری خارجی

در طیف طرفداران همکاری با چین، این موضوع مورد تاکید قرار گرفته است که ظرفیت های بین المللی می تواند اقتصاد نحیف ایران را قدرتمند کند. دیپلماسی اقتصادی قوی و انسجام داخلی می تواند ثبات اقتصادی ایران رو به نمایش بگذارد و دیگر سرمایه گذاران را برای سرمایه گذاری تشویق کند. در بند ۳۵ چشم انداز ۱۴۰۴ استفاده از ظرفیت های بین المللی و توان رقابتی کشور اشاره شده است (Mousavi, Lohrasbi, 2019: 499). اما عدم موفقیت ایران در جذب سرمایه گذاری خارجی را اینگونه بیان میکنند. نخست، فرار از مشارکت در روند جهانی شدن اقتصاد و حتی مقابله با این روند. بحث‌ها و دعوای داخلی در مورد عضویت ایران در همه‌ی سازوکارهای کلیدی جهانی اقتصاد و تجارت، همچون گات^{۲۱}، سازمان تجارت جهانی^{۲۲}

21. GOOT

22. WTO

و اف ای تی اف ۲۳ دوم، موضوع امنیت و ثبات سیاسی است، که شرط مهم جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی است. البته در این زمینه، امنیتی سازی ایران از سوی مخالفین و تحریم‌های بین‌المللی به خصوص از سوی آمریکا تاثیر عمده ای داشته است. سومین مشکل موانع حقوقی و وجود قوانین و مقررات مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است. چهارم، میزان حمایت قضایی و قانونگذاری در حمایت از سرمایه و سرمایه‌گذار خارجی است. پنجم، مشکل موانع سیاسی است. ششم، مشکل ریسک اقتصادی است. علاوه بر این، بخش خصوصی قدرتمندی در ایران وجود ندارد (Mousavian, 2021).



شکل ۲ حجم سرمایه گذاری خارجی در ایران از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹

موسسه مطالعاتی تحریریه ۱۴۰۰، تحلیل و استنتاج: احسان سلطانی براساس داده های بانک مرکزی

۲- طرح اقتصادی یک کمربند - یک راه

الزامات اقتصادی چین در عصر جدید این کشور را واداشته، نیازهای خود را چه برای واردات انرژی

و چه صدور کالا از مسیر دریایی که در کنترل رقبای خود به ویژه امریکا است جدا کند و به نظر میرسد برای طرفین بهترین مسیر، جاده ابریشم باشد. در سال ۲۰۱۳ رئیس جمهوری چین شی جین پینگ^{۲۴} طرحی مشابه جاده ابریشم باستانی ولی با توجه به نیازها و امکانات امروز دنیا را پیشنهاد داد. وی اعلام کرد با ساخت شبکه‌ای از راه‌های ریلی، جاده‌ها، خطوط لوله و مسیرهای حمل و نقل دریایی، چین را به کشورهای آسیای مرکزی، آسیای غربی و بخشی از جنوب آسیا وصل می‌کند.



شکل ۳ مسیرها طرح یک جاده یک کمربند. (آجیلی و همکاران: ۱۳۹۶، ۷۹)

بدون شک راه ابریشم یکی از موضوعات مهم پیش رو در آینده توسعه اقتصادی در ایران است. با توجه به عزم چین برای سرمایه گذاری ذیل این طرح در کشورهای مسیر پروژه ایران میتواند کاستی سرمایه گذاری در کشور را جبران کند. ایران نیازمند این است که در مورد ابتکار فوق، استراتژی مشخص داشته باشد. شناخت رویکرد دیگر کشورها می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان کشورمان به خصوص در حوزه سیاست خارجی کمک کند (Salehi, 2018: 197).

سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین که در سال ۱۴۰۰ به امضا مقامات دو کشور رسید، شاید

24. Xi Jinping

روابط اقتصادی دو کشور را در جهت وابستگی متقابل هدایت کند. این سند نه قرارداد است و نه تفاهم‌نامه، بلکه سندی راهبردی است که بیشتر ماهیت نقشه‌ی راه و چارچوب همکاری و زمینه‌های مشارکت را برای دو طرف دارد. به نظر میرسد، طرفین در نظر دارند بتوانند مشکلات همکاری فیمابین را تسهیل نمایند و آن را به سند برد/ برد تبدیل کنند. چین معتقد است در این طرح ضمن بهره‌برداری این کشور، تمام کشورهای جهان نیز از آن سود می‌برند. سازمان ملل در دو قهظنامه در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۶ نسبت به تأیید و دعوت به مشارکت، از دیگر کشورها برای ارتقاء جامعه جهانی دعوت کرده است. براساس یک گزارش تحقیقاتی بانک جهانی، این ابتکار از چین سرچشمه گرفته است، اما فرصت‌ها و دستاوردهای آن متعلق به تمام جهان است. در این گزارش همچنین بیان شده، این ابتکار، به ۷/۶ میلیون نفر از فقر شدید و ۳۲۰ میلیون نفر از فقر متوسط کمک می‌کند. تأثیر این امر در کشورهای مشمول این ابتکار به ارتقاء تجارت ۸/۲ تا ۷/۹ درصد، تجارت جهانی حدود ۷/۱ تا ۶/۲ درصد و درآمد جهانی ۰/۷ تا ۲/۹ درصد کمک کرده است. این ابتکار راهی واقعی برای به اشتراک گذاشتن منابع، رونق و توسعه مشترک است (Center for Strategic Studies, 2018:20).

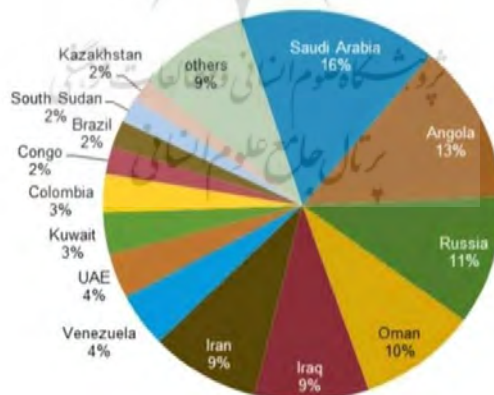
از اهداف دیگری که چین می‌تواند از طرح کمربند یک جاده داشته باشد، تلاش برای خروج از انزوایی که آمریکا قصد دارد تا چین رو گرفتار آن کند. دوم تلاش برای رونق اقتصادی برای برطرف کردن خلأهای امنیتی مرزی چین. از آن‌جا که چین یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی است با تسهیل و تسریع جریان انرژی به سمت چین، این کشور به تولید انبوه خود می‌افزاید و از طریق تجارت گسترده که از مسیر اقتصادی برق‌رسانی می‌کند کالاهای خود را به کشورهای هدف می‌فرستد (Ajili, 2016:76).

۳- جایگاه خاورمیانه در تامین انرژی چین و نقش کلیدی ایران

تنش ایران و آمریکا بعد از انقلاب اسلامی، همچنین ذخایر عظیم انرژی ایران دو عامل کلیدی، جذاب و هم‌پوشان برای ایجاد رابطه اقتصادی و استراتژیک بین ایران و چین محسوب می‌شود. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده انرژی جهان می‌تواند ایران را کشوری قلمداد میکند، که آمریکا نمی‌تواند با اهرم‌های فشار مانع صادرات انرژی به چین گردد. ایران هم این امیدواری را دارد که چین یک بازار با ثبات برای انرژی ایران است. با توجه به تقابل روبرو به گسترش اقتصادی چین و آمریکا این کشور هیچ‌گاه این کریدور مستقل انرژی را از دست

نمی‌دهد. دیگر تأمین‌کنندگان انرژی چین مانند عربستان و کشورهای خلیج فارس با توجه به امضای قراردادهای امنیتی با آمریکا می‌توانند، در برهه‌های حساس تعهدات انرژی با چین را نادیده بگیرند. حدود نیمی از انرژی مورد نیاز چین از خاورمیانه تأمین می‌شود و ۸۵ درصد کل انرژی چین از تنگه‌ی مالاکا عبور می‌کند. همین دو عبارت کافی است تا به اهداف چین طرح یک کمربند یک جاده در خاورمیانه مورد توجه قرار گیرد (Ajili, 2016:88).

در منطقه خاورمیانه چین با کشورهای نظیر ایران، عربستان، قطر و کویت رایزنی‌هایی برای سرمایه‌گذاری انجام داده است. تفاهم نامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین در سال ۲۰۲۰ سرمایه‌گذاری چین در عربستان بعد از سفر شی جین پینگ در سال ۲۰۲۲ و همکاری برای انتقال گاز قطر به چین، امارات عربی متحده نه تنها بدل به میزبان لجستیک جاده ابریشم در خاورمیانه شده است، بلکه میزبان بیش از ۶۰۰۰ شرکت چینی است و تا پیش از بحران کرونا ۴۵۰ هزار شهروند چین در این کشور زندگی می‌کردند. علاوه بر این، ۶۶ درصد صادرات چین به کشورهای خاورمیانه از طریق امارات صورت می‌گیرد. در تصویر کلان، حجم تجارت چین و جهان عرب در سال ۲۰۲۱ حدود ۳۳۰ میلیارد دلار بوده است که نسبت به سال پیش از آن، حدود ۳۷ درصد رشد کرده است. از زمان اجرایی شدن ابتکار کمربند و راه، تاکنون، چین حدود ۲۰۰ پروژه در حوزه‌های مختلف با کشورهای عربی را اجرایی کرده است (taadol, 2021).



شکل ۴ میزان واردات نفت خام چین از کشورهای مختلف (Ajili, 2016:75).

سرمایه‌گذاری چین در سطح منطقه خاورمیانه می‌تواند هم باعث واگرایی و هم‌گرایی کشورهای منطقه با ایران گردد. ایران در سال ۲۰۲۰ با انعقاد تفاهم نامه ۲۵ ساله با چین سعی کرده چین را به‌عنوان یک متحد استراتژیک قرار دهد. در مقابل چین نیز تلاش کرد بین بازیگران مهم در منطقه نقشی میانجی ایفاء نماید. این کشور برای بهبود بهره‌وری سرمایه‌گذاری، همچنین تضمین امنیت سرمایه و عدم برهم خوردن ثبات اقتصادی کشورها در پی تنش‌زدایی و نزدیک کردن کشورهای منطقه گام برداشت. چین تلاش کرده نقش بیشتری در رقابت‌های خاورمیانه بازی کند. میانجی‌گری بین ایران و عربستان بعد از هفت سال رابطه‌ای پرتنش، با دیدار وزرای این دو کشور در پکن در سال ۲۰۲۳ به مصالحه و کم کردن تنش تغییر کرد. در همین راستا، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی به‌عنوان یک سازمان چندجانبه با شروع توزیع وام در سال ۲۰۱۶، اولین وام را به خاورمیانه به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار برای کمک به ساخت بندر دوا م عمان و ساخت اولین سیستم راه‌آهن این کشور اختصاص داد (Vakili et al., 2018: 72, 73).

۴- همکاری‌های سیاسی و امنیتی

کشورها برای اینکه بتوانند رشد اقتصادی را تثبیت کنند، باید بتوانند امنیت پیرامون خود را کنترل کنند نه این‌که پیرامون امنیت آنان را دست‌خوش تغییرات قرار دهد. در تاریخ معاصر شاهد ایجاد سازمان‌های امنیتی توسط بلوک‌های قدرت بوده‌ایم. پیمان ورشو توسط شوروی سابق برای جلوگیری از نفوذ غرب به سمت شرق تاسیس شد. سازمان آتلانتیک شمالی ناتو برای حفظ و ثبات بلوک غرب و بازدارندگی در برابر گسترش شوروی به سمت غرب توسط آمریکا رهبری می‌شود. سازمان سیتو که توسط انگلستان برای مهار روسیه ایجاد شد، پیمان همکاری شانگهای هم یکی از این نوع پیمان‌های امنیتی است. این سازمان با محوریت چین و روسیه برای مقابله و همکاری برابر نفوذ غرب در آسیا تأسیس شده است.

سازمان همکاری شانگهای که در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد، در دور پنجم گفتگوها بین مؤسسين در شانگهای در اواخر دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت. این گفتگوها برای رسیدگی به اختلافات مرزی باقیمانده چین و شوروی و همچنین ترویج همکاری سیاسی صلح آمیز در آسیای مرکزی برگزار شد. سازمان همکاری شانگهای چین و روسیه را به همراه قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان گرد هم آورد. با وجود نگرانی‌های غرب و به ویژه آمریکا،

تأکید زیادی بر این بود که سازمان به عنوان یک جامعه امنیتی در مقابل اتحاد در انتظار تلقی شود. عضویت از طریق توافقنامه ای در سال ۲۰۱۶ گسترش یافت که به کشورهای ناظر سابق سازمان همکاری شانگهای هند و پاکستان اجازه داد تا در سال ۲۰۱۷ به عضویت کامل در آیند (Salimi et al., 2019: 117).

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای فرایندی پیچیده را طی کرده است. ایران در سال ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر در این نهاد پذیرفته شد. در این سالها همواره درخواست ایران برای عضویت دائم مطرح بود، اما به دلایل مختلف از جمله مخالفت برخی اعضا و نیز مصوبه های این نهاد تا سال ۲۰۲۱ سرانجامی نیافت (Shariati Nia, 2022:47). در سال ۱۴۰۱ عضویت دائم ایران تأیید شد. هر چند در حال حاضر مراحل تصویب عضویت ایران در پارلمان های کشورهای عضو در حال پیگیری است.

بر مبنای اسنادی که جهت گیریهای کلان اقتصادی سازمان را نشان میدهد و نیز بیانیه های پایانی اجلاس های سران میتوان مدعی شد که سازمان همکاری شانگهای ساختار موجود اقتصاد و تجارت جهانی را پذیرفته است، نظام مالی بین المللی و سازمان تجارت جهانی را به عنوان مبنای فعالیتهای اقتصادی دانسته و در این چارچوب عمل میکند. افزون بر این سازمان در تصمیم گیری ساختاری اجماعی دارد و تنها در صورتی که پیشنهادها و ابتکارات کشورها مورد تأیید سایرین قرار گیرد، امکان اجرایی شدن پیدا میکند. از همین روست که عمده همکاری های اقتصادی در درون سازمان در ادامه ابتکاراتی که توسط کشورهای مختلف ارائه شده صورت گرفته است (Shariati Nia, 2022:44).

۵- موانع الگو برداری ایران از مدل توسعه اقتصادی چین

با وجود اینکه فرصت ها و زمینه های متعددی در همکاری میان ایران و چین به خصوص در بخش الگو برداری از اقتصاد چین وجود دارد اما نمی توان منکر موانعی شد که امکان الگو برداری از مدل توسعه اقتصادی چین را تحت تأثیر خود قرار می دهد. در ادامه به برخی از مهمترین موانع مکان الگو برداری از مدل اقتصادی چین اشاره می شود.

الف) موانع داخلی

در مفروضات نئوکلاسیکها این عقیده وجود دارد که هر گاه فرصت های سودآور خود را آشکار

سازد، رشد اتفاق می‌افتد، مگر آن‌که دخالت موانع سیاسی و اجتماعی مانع از عملکرد بازارها شود (North et al, 1920:24). تجربه کشورها در قالب دولت‌های توسعه‌گرا به خوبی بر این اصل نئوکلاسیک صحه می‌گذارد و نشان می‌دهد، تا زمانی که کشورها نتوانند ساختارهای داخلی خود را در جهت توسعه برنامه‌ریزی کنند، دستیابی به توسعه سخت و دور از دسترس است. میتوان از مهم‌ترین موانع الگو برداری از مدل توسعه اقتصادی چین در ایران را اینگونه بیان کرد.

۱- ساختار فرهنگی

در حالی که اکثر جمعیت چین از قوم هان^{۲۵} هستند، این کشور دارای یک فرهنگ سکولار است. فلسفه کنفوسیوس تأکید زیادی بر انضباط، فرمان برداری، آموزش و پس‌انداز دارد. در فرهنگ ایرانی یک نوع درهم‌تیدگی نهاد دین و دولت وجود دارد، نژادهای قومی گوناگونی در سطح کشور پراکنده هستند. در ایران گرایش جامعه به فرمانبری از دولت و کانون‌های قدرت به میزانی که در چین مشاهده می‌شود وجود ندارد. در واقع مطالبات جامعه مدنی برای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی بسیار نیرومند است. آن‌چنان‌که اصل تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به عامل تعیین‌کننده و غیرقابل پوششی در تدوین استراتژی‌های توسعه اقتصادی و سیاسی تبدیل شده است (Zamani, 2019).

نخبگان سیاسی در دو ائتلاف گسترده در ایران نتوانسته‌اند، هنوز به این عقلانیت جمعی برسند که می‌توانند مشکلات خود را از طریق مسالمت‌آمیز و عدم حذف کامل رقیب به دست بیاورند و مانند دیگر کشورهای در حال توسعه موفق رفتار نمایند. جوامع در حال توسعه خشونت را از طریق دخل و تصرف نظام سیاسی در منافع اقتصادی به منظور خلق رانت مهار می‌کنند. به صورتی که گروه‌ها و افراد قدرتمند پرهیز از توسل به خشونت را به نفع خود می‌یابند. با ساختارمند کردن منافع سازمان‌های دارای ظرفیت خشونت تحقق تعهدات قابل اعتمادی میان آن‌ها پدید می‌آورد و به نوعی باور نسبت به وجود منافع مشترک میان رهبران و پیروانش می‌انجامد (North et al, 2013: 27-29). در ایران تا به امروز اگرچه دولت به معنای کلی آن در ایران نتوانسته استقلال نسبی خود را حفظ کند، ولی همیشه دچار چالش‌های سیاسی داخلی بوده است، که نشان‌دهنده برخی ناهماهنگی‌ها در میزان جامعه

25. Han people

پذیری سیاسی در سطح جامعه است.

۲- نهاد گریزی

یکی دیگر از موانع توسعه اقتصادی در کشور ایران نهاد گریزی است. کشورها باید بتوانند نهادهایی ایجاد کنند که در راستای تولید عمل کند. در واقع، تنها در صورت گشودن سازوکارهایی برای تزریق دانش ضمنی و معارف نهادی به درون نظام برنامه ریزی است که می شود، یک سیستم زنده اما غیر پویا را به یک سیستم زنده و البته پویا تبدیل تغییر داد. آنچه در ساختار برنامه ریزی توسعه در ایران قبل و بعد از انقلاب قابل مشاهده است، یک ساختار غیر پویا است که نمی تواند به عنوان یک سیستم هادی، نظام مرجع یعنی جامعه و اقتصاد را مدیریت کند و در صورت تحمیل بر آن، پیامدهای منفی و خسارات فراوانی بر جای خواهد گذاشت (Nourmohammadi, Samii, 2021: 45).

۳- ساختار جمعیتی

در آغاز اصلاحات اقتصادی، چین دارای یک جمعیت انبوه روستایی با سطح بهره وری بسیار پایین و فقیر بود. با توجه به نیروی کار انبوه و ارزان و کمبود منابع اولیه، مزیت نسبی اقتصاد چین در بخش صنایع کاربر قرار داشت، در ایران انرژی اقتصادی بیش از هر چیز در اقشار مدرن و تحصیل کرده جامعه، به ویژه جوانان و زنان قرار دارد که بخش بزرگ جامعه را تشکیل می دهند و در واقع موتور توسعه اقتصادی و سیاسی ایران به حساب می آیند. در ایران و نگاه دولت محوری با هویت، سبک زندگی و خواست های این مردم به عنوان عضو مهم جامعه مدنی ناسازگار است و امکان و انگیزه این بخش بزرگ جامعه برای مشارکت فعال در توسعه اقتصادی و سیاسی کشور را تضعیف کرده است. انرژی نهفته در اقتصاد ایران به گونه ای است که با الگوی توسعه اقتدارگرایانه چین بطور کلی ناسازگار است و آزادسازی آن راهکار دیگری می طلبد (Zamani, 2019).

۴- ساختار اقتصادی متفاوت

چین با کمبود منابع انرژی روبرو است و الگوی توسعه اقتصادی این کشور متکی بر توسعه صادرات و تولیدات صنایع کاربر است. در رابطه با اقتصاد ایران می بایست به وابستگی آن به صادرات نفت و پیامدهای آن بر اقتصاد کشور توجه داشت. افق کوتاه و میان مدت رشد صنایع کاربر بسیار محدود است. حتی در بلند مدت نیز توسعه صنایع کاربر نمی تواند نقشی را که

در چین ایفا کرد، در ایران ایفا کند. لذا برای مدت قابل توجهی درآمد ناشی از صادرات نفت همچنان نقش مهمی را در اقتصاد ایران ایفا خواهد کرد. استقلال مالی ناشی از درآمد صادرات نفت پیوندهای ارگانیک بین جامعه و نهاد دولت را تضعیف می کند و به نهاد دولت امکان می دهد که بر فراز جامعه بنشیند. لذا در کشوری مانند ایران که به درآمد صادرات نفت متکی است و مناسبات رانتی در آن به آسانی رشد می کند. این امر همراه با عدم واقع بینی و عدم انعطاف پذیری، کار استفاده از سیاست خارجی برای توسعه کشور، به ویژه جلب سرمایه گذاری خارجی را دشوار ساخته است (Zamani, 2019).

۵- تصویب قوانین موازی

یکی دیگر از مشکلات توسعه کشور تصویب قوانین موازی است. اگر قوانین دائماً تغییر کنند و اصلاح شوند، پیش بینی پذیری فضای کسب و کار مختل می شود و امکان فعالیت اقتصادی مطمئن فراهم نخواهد شد. امروز صاحب نظران اقتصادی و حقوقی بر این گزاره اتفاق نظر دارند که ثبات و همچنین شفافیت قوانین و مقررات از مهم ترین عوامل در تأمین امنیت اقتصادی کشور است. ثبات قوانین محیط اقتصادی را برای فعالیت اقتصادی تثبیت می کند و شفافیت قوانین امکان برنامه ریزی دقیق را فراهم می آورد. در محاسبات یک تحقیق علمی نشان داده شده است که بعد از انقلاب اسلامی مجلس سالیانه به طور متوسط ۳۸ مورد مصوب اصلاحیه، الحاقیه به قانون داشته است (Mousavi, Lohrasbi, 2019: 490).

۶- بی اعتمادی اجتماعی

یکی از مولفه های مهم در موفقیت یک الگودر بخش اجرا، میزان حمایتی است که افکار عمومی از مدل پیشنهادی اعلام می کنند. در بدنه افکار عمومی ایران در مورد نیت خوانی راهبرد حضور اقتصادی چین در بدنه اقتصادی کشور اعتمادی وجود ندارد و بدنه اجتماعی جامعه در مورد حضور اقتصادی چینی ها در کشور با شک و تردید نگاه می کنند. نگاه محتاطانه ایرانی ها را می توان در واکنش آنان به قرار داد ۲۵ ساله ایران و چین ملاحظه کرد. با وجود همه تبلیغاتی که دولت و مجلس انجام داده اند و ثمره های مثبتی که از این توافق برای ایران مطرح میشود، کماکان در این زمینه اقبال عمومی اجرای توافق فوق و حمایت اجتماعی کافی در مورد آینده همکاری اقتصادی ایران و چین مورد سوال است. در متن بیانیه مشترک میان ایران و چین به افزایش درک متقابل و شناخت فرهنگی میان دو

ملت تاکید شد. این تاکید خود گویای اهمیت اعتماد اجتماعی دو ملت نسبت به آینده همکاری دو کشور است (Ministry of Foreign Affairs, 2022). البته در این مورد رقبای چین در سطح جهان نیز تلاش می کنند در کاهش اعتماد ایرانیان نسبت به همکاری با چین به شیوه های مختلف اقدام کنند.

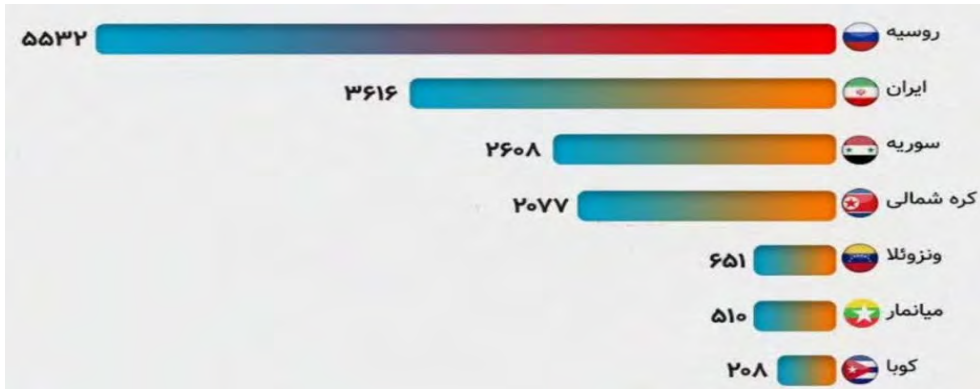
ب) موانع بین المللی

موانع الگوبرداری از مدل توسعه اقتصادی چین به ساختار داخلی در رفتار سیستم اقتصادی داخلی ایران محدود نمی شود، بلکه موانع بین المللی نیز امکان الگوبرداری را با مشکل مواجه می سازد.

۱- تحریم های بین المللی

عامل تحریم های دامنه دار اقتصادی یک جانبه ایالات متحده و سازمانهای بین المللی به رهبری آمریکا علیه ایران در عدم پذیرش نظم جهانی موجود است. ایران بعد از انقلاب ۵۷ رویکرد خاص و ثابت در مقابله با نظم جهانی و در رأس آن دشمنی با ایالات متحده آمریکا را حفظ کرده است. در مقابل ایالات متحده به عنوان رهبر نظم موجود اقدامات فراوانی برای تغییر نظام سیاسی و منزوی کردن ایران در سطح منطقه و جهان انجام داده است.

ایالات متحده از سال ۲۰۰۱ دور جدیدی از تحریمها به واسطه آنچه بنا بر ادعا، حمایت ایران، از تروریسم خوانده می شود، علیه ایران اعمال کرده است. همچنین از سال ۲۰۰۵ ایالات متحده همراه با سایر اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و آلمان، با طرح ادعای مشارکت ایران در اشاعه تسلیحات هسته ای، توسعه موشک های بالستیک و نفوذ ایران در خاورمیانه، به دنبال انزوای بیشتر ایران در اقتصاد جهانی بوده اند (Hughes, 2018: 4). از آنجایی که دلار آمریکا همچنان ارز ذخیره غالب و ارز اصلی برای پرداخت های بین المللی است، ایالات متحده از کنترل قابل توجهی بر معماری مالی جهانی برخوردار است، که به طور منظم از آن برای تحریم دشمنان خود با قطع آنها از سیستم مبتنی بر دلار استفاده میکند (Munich Security Report, 2023: 79). تا سال ۲۰۲۲ که روسیه اقدام به حمله نظامی به اوکراین کرد، ایران در صدر لیست کشورهای تحریم شده از جانب آمریکا و سازمان بین المللی بوده است.



شکل ۵ تحریمهای اعمال شده بر کشورها

منبع: مرکز مطالعات اقتصادی کاستلوم، اینفوگرافیم اعتماد آنلاین (۲۲ فروردین ۱۴۰۲).

اصلی ترین متحد اقتصادی ایران در تمام سالهای تحریمهای اقتصادی آمریکا، چین بوده است. با این که چین در برخورد با تحریمهای آمریکا علیه ایران تمایلی به مخالفت مستقیم با آمریکا نشان نداده، اما به طور کامل از تحریمهای آمریکا پیروی نکرده است. مستقیمترین حمایتهای چین از ایران را می توان به اظهارات چنگ شوان^{۲۶} سخنگوی وزارت امور خارجه چین در طی نشست خبری در تاریخ ۹ ماه مه ۲۰۱۸ اشاره کرد: «ایران و چین روابط عادی و تجارت را حفظ خواهند کرد و در یک اشاره آشکار به آمریکا افزود من تأکید می کنم که دولت چین با اعمال تحریمهای یک جانبه و با اجرای قانون صلاحیت فراسرزمینی توسط هر کشوری که بخواهد برحسب قوانین داخلی خود عمل کند، مخالف است. چین از این وضعیت برای حفظ جایگاه اصلی خود در بخشهای نفتی و غیرنفتی اقتصاد ایران بهره گرفته است» (Hughes, 2018:6).

۲- در هم تنیدگی اقتصاد چین و آمریکا

چین بزرگترین اقتصاد در حال توسعه و دومین اقتصاد دنیا است و با کشورهای مختلف مبادلات تجاری گسترده دارد. این کشور در اکثر قاره های جهان شریک اصلی اقتصادی محسوب می شود. پس باید به این نکته توجه کرد که حجم مبادلات تجاری با کشورها، یکی از

معیارهای اصلی این کشور برای همکاری‌های استراتژیک است. چین با ایالات متحده و اروپا به مثابه پایه‌گذاران و محافظان نظم موجود و همچنین با کشورهایی که رقیب و یا متخاصم ایران محسوب می‌شوند، روابط گسترده‌ای دارد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت حجم تجارت چین و ایران ۶۰ میلیارد دلار در سال بوده است (Behriuzi, 2021: 36).

چین ساختار و ظرفیت اقتصادی غرب را مکمل اهداف اقتصادی خود می‌داند. این در حالی است که ایران تعارض سیاسی و بنیادین با غرب را تجربه کرده است. همان‌گونه که تاکنون نیز مشاهده شده، پکن در سیاست خود در قبال تعارض ایران و غرب به‌گونه‌ای پرنوسان عمل کرده است. به این معنا که ضمن حفظ سطح روابط و تعاملات و مبادلات خود با ایران، روابط استراتژیک خود با غرب و آمریکا را نیز حفظ کرده است. بر این اساس نمی‌توان انتظار داشت که در شرایط حساس بتوان با چین همانند یک متحد رفتار کرد. رابطه دو کشور از نوع رابطه استراتژیک و نه اتحاد استراتژیک است (Ministry of Foreign Affairs, 2015: 11).

۳- تاکید چین بر جغرافیای سیاسی کشورها در توسعه اقتصادی

از نظر این پژوهش یکی از مهمترین موانع الگو برداری از مدل توسعه اقتصادی چین در اصولی است که در قالب اجماع پکن مورد تاکید چین است. همانطور که در صفحات قبل نیز اشاره شد، یکی از اصول اجماع پکن تاکید بر اصل حق تعیین سرنوشت و جغرافیای سیاسی کشورها است (Shirkhani and Arghavani Pirsalami 2015: 143). در این مورد رامو معتقد است از نظر چین، جغرافیای سیاسی و جغرافیایی اقتصادی اساسا باهم در ارتباط هستند. به این معنا که هر کشوری نیازمند خلق الگویی متناسب با ماهیت اقتصادی و سیاسی ساختار داخلی کشور متبوع است و لذا اصرار بر الگو برداری از دیگر مدل‌های توسعه اقتصادی چین و یا اشاعه این الگو به دیگر کشورها دنبال نمی‌شود (Ramo, 2004: 40). با فرض فوق اساسا خود چینی‌ها در طرح و برنامه توسعه اقتصادی چین علت توسعه همکاری خود با دیگر کشورها به خصوص کشور ما را صرفا تاکتیکی و در راستای افزایش قدرت ملی خود ترسیم می‌کنند و در کوتاه مدت انگیزه خود را برای معرفی مدل توسعه چین به دیگر کشورها نمایان نمی‌سازند.

۴- ابهام در مبانی و سیاست واقعی مدل توسعه اقتصادی چین

یکی از موانع مهم در امکان الگو برداری از مدل توسعه اقتصادی چین نبود شفافیت و ابهام

در مبانی و سیاست دفاعی چین از ارائه خود به عنوان یک الگوی موفق است. در مورد چین این ادعا وجود دارد که چینی ها نیت واقعی خود را در مورد شیوه همکاری اقتصادی واقعی با دیگر کشورها اعلام نمی کنند و هر چند در ظاهر بر لزوم دستیابی به یک مدل توسعه اقتصادی بومی تاکید می کنند اما به نظر می رسد چینی ها در تلاشند از طریق شیوه دیپلماسی دام بدهی و دیگر اقدامات، کشورهای هدف را به اجبار به سمت پذیرش مدل توسعه اقتصادی چینی ها سوق دهند.

در همین زمینه، یی گانگ^{۲۷}، رئیس کل بانک جمهوری خلق چین میگوید مؤسسه های مالی چین بیش از ۲۴۰ میلیارد دلار بودجه برای طرحهای یک کمربند یک جاده تأمین کرده اند. بخش زیادی از این وام ها از طریق بانک توسعه و بانک صادرات و واردات چین پرداخت میشود. بانک صادرات و واردات چین در آوریل ۲۰۱۹ گفته بود، بیش از ۱۴۹ میلیارد دلار وام به بیش از ۱۸۰۰ طرح مربوط به یک کمربند/یک راه ارائه داده است. در حالی که بانک توسعه چین در ماه مارس همان سال اعلام کرد که از سال ۲۰۱۳ تاکنون برای بیش از ۶۰۰ طرح مربوط به یک کمربند یک راه، بیش از ۱۹۰ میلیارد دلار بودجه تأمین کرده است (Shafiei, 2022:232).

رئیس بخش تحقیقات مالی بین المللی و حکمرانی جهانی در کیل، می گوید: «رونق وام دهی بین المللی چین در درجه اول نتیجه رشد سریع اقتصادی این کشور است، و سپس ناشی از سیاست جهانی شدن دولت چین است. چین به دلیل اینکه بسیاری از کشورها را از طریق این طرح عظیم و سرمایه گذاری در زیرساخت های جهانی برای ساخت راه آهن، جاده، دریا و سایر مسیرهایی که به آسیای مرکزی، آفریقا و اروپا امتداد می یابد، با بدهی های زیادی مواجه کرده است (Weizhen, JUL 12 2019).

نخستین بار براهما چلانی^{۲۸} نویسنده هندی عبارت دیپلماسی دام بدهی را به کار برد. وی در توصیف دام بدهی می گوید. اگر یک چیز وجود دارد که رهبران چین واقعاً در آن برتری دارند، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد منافع ژئواستراتژیک کشورشان است. چنین با اینکار یک تریلیون دلار در طرحهای زیربنایی یک کمربند یک جاده در کشورهای در حال توسعه سرمایه گذاری می کند و از طریق وام های کلانی که برای اجرای آنها می پردازد، نفوذ راهبردی

27. Yi Gang

28. Brahma Chellaney

خود را به آنها تحمیل میکنند. از دید چیلانی البته ارائه وام برای اجرای طرحهای زیربنایی به خودی خود بد نیست، اما هدف بیشتر طرح هایی که چین از آنها حمایت میکند، حمایت از اقتصاد محلی نیست بلکه تسهیل دسترسی چین به منابع طبیعی با بازار برای کالاهای بی کیفیت این کشور است (Shafiei, 2022:229).

یکی دیگر از مشکلات وام دهی چین به دیگر کشورها عدم شفافیت در پرداخت وام است. نیمی از این بدهی در اقتصادهای در حال توسعه پنهان است. بدهی پنهان به این معنی است که استقراض به نهادهای رسمی مانند صندوق بین المللی پول^{۲۹}، بانک جهانی^{۳۰} یا باشگاه پاریس^{۳۱} گزارش یا ثبت نشده است. علاوه بر این، تقریباً تمام وام های خارجی چین از طریق نهادهای دولتی چین اعطا می شود و گیرندگان نیز تمایل دارند شرکت های دولتی باشند. در نتیجه، خود کشورهای بدهکار تصویر ناقصی از میزان وام گرفتن از چین و الزامات آن دارند (Weizhen, JUL,2019:12).

برای اینکه ایران در تله ی بدهی وام چین گرفتار نشود، باید بتواند در متن قرارداد اولویت استفاده از ظرفیت های داخلی چه سرمایه هایی و چه منابع مورد نیاز را بگنجانند. دوم این که در صورتی که نیاز به سرمایه گذاری خارجی الزامی گردید، اولویت با پروژه های ارز آور باشد تا در صورت تکمیل پروژه عواید حاصله در پرداخت اصل وام و سود آن شریک گردد. تکمیل زنجیره ارزش برای اولویت بندی پروژه ها برای توسعه می تواند گامی مهم دیگری تلقی گردد (Resistance Economy Think Tank, 2021:58).

۸. نتیجه گیری

در این پژوهش امکان سنجی اقتباس پذیری الگوی توسعه اقتصادی چین به بحث گذاشته شد. با بررسی هایی که صورت گرفت چند نکته می توان به عنوان نتیجه این پژوهش مطرح کرد. یافته های پژوهش مشخص شد که نیازهای متقابل اقتصادی ایران و چین، انتقاد مشترک به مدل توسعه اقتصاد لیبرالی غرب، نقش مهم چین در جذب سرمایه گذاری خارجی، طرح اقتصادی یک کمربند/ یک راه، جایگاه خاورمیانه در تامین انرژی چین و همکاری های سیاسی و امنیتی به

29. IMF

30. WORD BANK

۳۱. گروهی از کشورهای طلبکار

عنوان زمینه های الگوبرداری ایران در چارچوب همکاری استراتژیک با چین معرفی شدند.

در ادامه، به این نکته اشاره شد که با فرض لزوم و اهمیت توجه به مدل های توسعه اقتصادی دیگر کشورها در برنامه ریزی کلان اقتصادی ایران، اما همزمان محدودیت های فراروی اقتباس از مدل توسعه اقتصادی چین نیز باید مورد توجه قرار گیرد. لذا، متغیرهای؛ ساختار فرهنگی، نهادگرایی، ساختار جمعیتی، ساختار اقتصادی متفاوت، تصویب قوانین موازی در اقتصاد ایران، تحریم های بین المللی، سطح تجارت چین با امریکا، تناقض درونی در تفکر اجماع پکن در الگوبرداری از مدل توسعه اقتصادی به عنوان موانع مهم امکان سنجی الگوبرداری از مدل توسعه اقتصادی چین مطرح گردید.

در پایان شایان ذکر است که تصمیم گیرندگان و دولت مردان در ایران کماکان در جستجوی راهکارها و مدل های بومی و بین المللی برای توسعه اقتصادی هستند. البته هر چند در مورد اصل پذیرش مفهوم توسعه هنوز در کشور اجماعی بوجود نیامده است، اما در عرصه اعلانی لزوم توسعه اقتصادی هنوز مورد تاکید قرار می گیرد. در این میان چین به عنوان یک اقتصاد نوظهور در حال تبدیل به یک مدل توسعه اقتصادی برای برخی از کشورهای خواهان تجربه متفاوت است. برای ایران امکان الگوبرداری از مدل توسعه اقتصادی چین از زمینه ها و موانع عمده ای تبعیت می کند که لازم است در مطالعه این موضوع به آنها دقت کافی را داشت. با وجود اینکه در متن هم به مولفه های مثبت و هم موانع الگوبرداری اشاره گردید، اما به نظر میرسد به خاطر عدم شفافیت در راهبرد چین در زمینه نیت خود از همکاری اقتصادی خود در دیگر کشورها، وزن موانع امکان سنجی الگوبرداری از فرصت های آن بیشتر است. چراکه برخی معتقدند چین از طریق دیپلماسی دام بدهی تلاش می کند در ابتدا همکاری اقتصادی را با کشورها به خصوص در قالب طرح راه ابریشم شروع نماید و در ادامه با پرداخت وام با بهره سنگین کشورها را وادار به تبعیت از مدل های تصمیم گیری اقتصادی چین کند.

در این پژوهش از رویکرد فوق، به سیاست دام الگوبرداری اجباری از مدل توسعه اقتصادی چین نام برده می شود. در واقع در الگوبرداری از مدل توسعه اقتصادی چین، الگوبرداری متناسب با وضعیت اقتصادی و سیاسی داخلی امری مهم تلقی می شود. به نظر می رسد با وجود اینکه چین مدعی است مدل توسعه اقتصادی متناسب با جغرافیای سیاسی هر کشور متفاوت است و نمی توان یک نسخه مشترک برای همه کشورها پیچید، اما چین در عمل به سمت

همکاری اقتصادی با کشورهای متمایلی است که در چارچوب همکاری، منافع اقتصادی آن در اولویت قرار گیرد و کشورها از طریق کمک های مالی که دریافت می کنند، نتوانند جایگزین های دیگری برای همکاری خود داشته باشند. لذا در این پژوهش مسیر دوگانه الگوبرداری داوطلبانه و الگوبرداری اجباری به عنوان دو مسیر و راه پیشروی توسعه اقتصادی ایران در همکاری با چین پیش بینی می شود که الزامات و چالش های هر کدام از دو مسیر فوق می توانند در خور توجه قرار گیرند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Buzan, Barry, Waever, Olv, De Wilde, Jaap. (1998). Security: a new framework for analysis. Lynne Rienner Publishers.
- Douglass c. North. John Joseph Wallis Steven B. Webb Barry R. Weingast. (2013). In the Shadow of Violence: Politics, Economics, and the Problems of Development: Published Cambridge University press. DOI:10.1017/CBO9781139013611.
- Gilpin, R. (2001). Global Political Economy Understanding the. International, Princeton University press.
- Economic European Forecast. (2024). Economic outlook for EA and EU, at: spring_forecast-2024_special issue_china_en.
- Hughes, Lindsay, (2018). China in the Middle East: The Iran Factor, Future Directions International. Available at: <https://apo.org.au/node/195271>.
- Li, He. (2015). The Chinese Model of Development and Its Implications, World Journal of Social Science Research, Vol. 2, No. 2. PP.128.138. Available at: https://scholarworks.merrimack.edu/pol_facpub/18.
- Michael J. Mazarr, Timothy R. Heath, Astrid Stuth Cevallos, (2018), China and the International Order, RAND Corporation, at: file:///C:/Users/Mazinet%20Rayaneh/Downloads/RAND_RR2423.pdf.
- Morrison, Wayne M. (2019). China's Economic Rise: History, Trends, Challenges, and Implications for the United States, CRC Report, RL33534.
- North, Douglass c. John Joseph Wallis Steven B. Webb Barry R. Weingast. (2013). In the Shadow of Violence: Politics, Economics, and the Problems of Development: Published Cambridge University press.
- Munich Security Report.(2023).Re: vision, February 2023.at: https://d3mbhodo1l6ikf.cloudfront.net/2023/Munich%20Security%20Report%202023/MunichSecurityReport2023_Re_vision.pdf.

Kennedy, Scott. (2010). The Beijing consensus, the journal of contemporary China, 19(65), June.pp.461.477.

So, A. (2014). The Chinese Model of Development: Characteristics, Interpretations, Implications. The Hong Kong University of Science and Technology.

WTO Report. (2023), The Crisis in Ukraine Implications of the war for global trade and development.

Weizhen Tan, 2019, About half of China's loans to developing countries are 'hidden,' study finds, published jul,12, Available at: <https://www.cnbc.com/2019/07/12/chinas-lending-to-other-countries-jumps-causing-hidden-debt.html>

